گزارش روز

الیاس حضرتی در مراسم بزرگداشت روز دانشجو:
رقبا می‌خواهند ما راه افراط را طی کنیم

الیاس حضرتی، نماینده مردم تهران در مجلس که سخنران مراسم روز دانشجوی دانشگاه تربیت دبیر شهید رجایی بود با بیان اینکه «کسانی که منشأ تحول در زندگی بشریت و رخدادهای مهم شدند کسانی بودند که در تمام مراحل زندگی درد و رنج کشیدند، زندان‌ها رفتند، شکنجه‌ها شدند و محدودیت‌ها و محرومیت‌ها چشیدند»، گفت: «اگر زندگی رهبران تحولات جهان را بررسی کنید کسی را پیدا نمی‌کنید که در آسایش بزرگ شده باشد. حتی اگر کسی هم در رفاه بوده باشد، دغدغه فکری داشته و از این جهت آرامش نداشته‌است.»

این نماینده اصلاح‌طلب مجلس دهم با مذمت آن دسته از دانشجویانی که بی‌تفاوت نسبت به اوضاع کشور هستند و با بیان اینکه «برخی هستند که راه بی‌تفاوتی را انتخاب کرده‌اند، کاری به مسائل ندارند، حتی دغدغه علمی هم ندارند و فقط دنبال گرفتن مدرک برای این هستند که در اداره‌ای مشغول به کار شوند»، گفت: «در مقابل هم تعدادی ولو در اقلیت هستند که روز دانشجو افرادی را برای سخنرانی دعوت می‌کنند یا نشریه می‌گیرند و در این مسیر به چالش می‌افتند و حتی ممکن است گرفتار شوند و نشریه آنها متوقف شود یا به کمیته انضباطی بروند، زندانی شوند و محرومیت تحصیلی پیدا کنند اما با همه اینها دست از فعالیت نمی‌کشند، چون احساس می‌کنند اگر این کار را نکنند به تعهدی که در روز الست با خدای خود بستند متعهد نمانده‌اند.»

او با بیان اینکه «طبیعی است که انسان عدالت‌طلب و آرمانگرا رنج هم بکشد»، افزود: «ما اصلاح‌طلبان انتظار نداریم که زیر پای ما فرش قرمز پهن کنند.»

توصیه دانشجویان به فعالیت سیاسی با حفظ اعتدال

این فعال سیاسی اصلاح‌طلب با توصیه دانشجویان به فعالیت سیاسی با حفظ اعتدال گفت: «باید در مسیری که در آن حرکت می‌کنیم متفکرانه و صبورانه قدم‌برداریم. عوامل و موانع زیادی وجود دارد اما باید اعتدال را همیشه رعایت کرد. من به شما به عنوان کسی که سال‌ها فعالیت سیاسی داشته و رسانه دارد می‌گویم که رقبای ما دل‌شان می‌خواهد ما راه افراط را برویم چون با افراط‌گرایان به راحتی می‌توانند برخورد کنند. کسی که صبور است و با مقاومت و پایداری حرکت معقول و معتدل دارد خار چشم اینهاست و آنها دنبال زدن آن هستند.»

حضرتی با بیان اینکه «دوستانی که با من آشنایی دارند می‌دانند که من اصلاح‌طلب تند نبودم و نخواهم بود و به افراط اعتقاد ندارم» گفت: «ولی شما کیهان را ورق بزنید می‌بینید حجم مطالبی که علیه الیاس حضرتی و روزنامه‌اش می‌نویسند بسیار بیشتر از دیگران است. چرا؟ چون نمی‌خواهند کسی در مسیر اصلاح‌طلبی معتدل حرکت کند. دل‌شان می‌خواهد سریع به سمت افراط برویم تا سریع برخورد کنند؛ بنابراین راه و مسیر دشوار است.»

این نماینده اصلاح‌طلب مجلس در ادامه سخنان خود اظهار کرد: آن طرفی‌ها که هر روز برای خاتمی بحران ایجاد می‌کردند. عده‌ای هم این طرف تحمل‌شان لبریز شده بود و می‌گفتند باید از خاتمی عبور کنیم. خوب عبور کردیم نتیجه‌اش چه شد؟ نتیجه‌اش شد احمدی‌نژاد. امروز که این جا هستم به عنوان عضو اصلی کمیسیون اقتصادی مجلس، باید بگوییم تمامی کسانی که در جایگاه تصمیم‌گیری هستند باید زحمت بکشند تا بتوانند که رشد اقتصادی را به زمان آقای خاتمی برسانند. در حالی که آقای خاتمی شعار اقتصادی هم نداده‌بود.

حضرتی اضافه کرد: وقتی به مسائل فکر می‌کنند و می‌بینند که کشور باید آرامش داشته باشد و مشکلات سیاست خارجی حل شود و مشکلات فروش نفت حل بشود، بعد از ۸ سال تازه می‌رسند به سال ۷۶ که خاتمی مدیریت را تحویل داده‌بود.

باید به نشریات دانشجوها میدان بدهیم

نماینده مردم تهران گفت: آنها آنچنان دیوانه شدند که عقل و منطق را کنار گذاشتند. دوست ما رفته مجوز نشریه بگیرد، به او می‌گویند چرا اسم نشریه‌ات را دوم خرداد گذاشتی؟ یک ماه دو ماه سه ماه گذشت در نهایت با خردادش موافقت می‌کنند! این عقل و منطق و دلسوزی و بشر بودن است؟ مگر دوم خرداد چه اشکالی دارد؟ دوم خرداد جز این است که شما عزت پیدا کردید؟ خاتمی شب و روز نخوابید، کابینه‌اش و مجلس دست به دست هم دادند تا تولید ناخالص و رشد اقتصادی را به آن اندازه رساندند. الان آرزوی ما آن روزهاست که برای کشور آبرو و شرف ایجاد کرد.

حضرتی تاکید کرد: باید به نشریات دانشجوها میدان بدهیم. اینجاست که باید تمرین صورت گیرد تا سردبیر حرفه‌ای اعتماد را اداره کند. در کجا باید دانشجو تمرین کند؟ رشته روزنامه‌نگاری خوانده از دانشگاه علامه اما نمی‌تواند یک یادداشت بنویسد و بعد می‌گوید من حاضرم شش ماه برای شما کارآموزی کنم. به نشریات میدان دهیم.

او گفت: برای اینکه شور انقلابی دانشجویی را حفظ کنیم باید صبورانه عمل کنیم. وقتی می‌گویم صبورانه، می‌دانم شما سختی کشیدید، زندان رفتید. دوستان خودم در روزنامه اعتماد، روزنامه‌نگاران و حتی گرفتاری یک خانواده را دیده‌ام. چهار نفر را دستگیر کردند و گفتند اینها همکار بی‌بی‌سی بوده‌اند. در مقطعی توفان ایجاد کردند که شبکه وسیع همکاران بی‌بی‌سی را دستگیر کردیم اما بعد دیدیم هیچی. اینکه می‌گویم صبور باشید چون خودم شاهد این ماجرا بودم.

حضرتی تاکید کرد: معقولانه حرکت کردن می‌تواند راه را برای آینده باز بگذارد. اگر فکر می‌کنیم که باید مملکت را بسازیم باید صبورانه حرکت کنیم.

نماینده تهران ادامه داد: امام را رها نکنید. ریشه تحولات ایران و حرکت اساسی که به نتیجه رسید و از دست استبداد نجات پیدا کرد، امام بود. همه باید این راه را برویم. باید با صبوری اهداف انقلاب را به سر و سامان برسانیم. رمز صحبت من این است که باید تحمل داشته باشیم چون اگر امروز کشور به اینجا رسید نتیجه تحمل افراد مختلف بوده است. ما هم در حوزه سیاسی و دانشجویی باید صبور باشیم اما نه به این معنا که سکوت کنیم و سکون داشته باشیم بلکه باید حرکت کنیم و در مقابل مشکلات نهراسیم تا بتوانیم مسائل را در جهت برنامه‌های خود پیش ببریم.

عضو فراکسیون امید مجلس در ادامه سخنرانی خود در جمع دانشجویان اظهار کرد: درباره آقای روحانی اصلاح‌طلبان یک استراتژی تعیین کردند و نه یک تاکتیک. در سال ۹۲ بعد از ۸۸ به خاطر فشارهای سنگین و فضای امنیتی که بود باید جلو می‌آمدیم و به حداقل‌ها در حوزه سیاست راضی می‌شدیم تا بتوانیم فضا را باز کنیم. باید میدان را برای فعالیت اصلاح‌طلبان باز می‌کردیم تا از حالت فریز خارج شود. بنابراین به حداکثر فکر نکردیم و به حداقل‌ها راضی شدیم تا بتوانیم در صحنه حاضر شویم.

وی افزود: از بین روحانی و عارف بر اساس نظرسنجی و صحبت‌ها جمع‌بندی بر این شد که عارف فداکاری کند و کنار برود. این فداکاری موضوع کمی نبود. چون آقای عارف ستاد تشکیل داده بود سفر رفته بود و این کار کمی نبود که انصراف داد. شجاعت می‌خواست که آقای عارف از خود نشان داد. عارف دلسوزانه و متعهدانه کنار رفت و استراتژی اصلاح‌طلبان حمایت از روحانی شد. استراتژی این بود که فرد تندرویی مانند احمدی‌نژاد نیاید و جلوی تخریب منابع اقتصادی و سیاسی گرفته شود. لذا پشت روحانی قرار گرفتیم. او را می‌شناختیم و روحیات او مشخص بود. ضعف و قوت‌های او را می‌شناختیم و با همه اینها از ایشان حمایت کردیم.

حضرتی تاکید کرد: اصلاح‌طلبان معامله و ائتلاف نکردند بلکه از ایشان حمایت کردند. از ایشان توقع ویژه شخصی و حزبی نداریم. توقع ملی داریم. چهار سال گذشت و الان هم بر این اساس و بر اساس همان استراتژی قبلی اصلاح‌طلبان از ایشان حمایت می‌کنند. در این دور انتظار می‌رفت که روحانی ۲۰ درصد دوز اصلاح‌طلبی کابینه و همکارانش را بیشتر کند که نه تنها نتوانست بالا ببرد، بلکه پایین هم آورد. نماینده مردم تهران ادامه داد: ما اصلاح‌طلبان با این تحلیل که روحانی این تغییر پایین آوردن فتیله اصلاح‌طلبی را در خدمت یک هماهنگی قوایی قرار داده و وضعیت و شرایط کشور به گونه‌ای است که برای جلوگیری از عمیق‌تر شدن شکاف این فتیله را پایین آورده، این مساله را پذیرفتیم که نتیجه آن در دراز مدت به نفع کشور است. اگر این باشد باز ما دعوا بر شخص نداریم اما روحانی در رویکردها باید دفاع کند.

هماهنگی بین قوا اگر به سکوت و زمان گذشتن بگذرد، فایده‌ای ندارد

حضرتی گفت: واقعیت‌های کشور یک مکعب چندضلعی است. شما باید جوانب مختلف را در نظر داشته باشید تا بتوانید این راه را ادامه دهید. منتها حرفی که امروز با روحانی داریم این است که حالا که ۲۰ درصد دوز اصلاح‌طلبی را بالا نبردی، این مساله باید منجر به هماهنگی بین قوا شود که این هماهنگی خود مقدمه‌ای است برای چند کار اساسی شامل اقتصاد، سیاست خارجی و سیاست داخلی.

او اضافه کرد: اگر قرار باشد این هماهنگی به سکوت و زمان گذشتن بگذرد فایده‌ای ندارد. اگر هماهنگی بین قوا و نهادهای مختلف منجر به کارهای اصولی و اساسی و زیربنایی و باز شدن گره‌های اساسی نشود فایده ندارد. ضمن اینکه از برخی کارها گله داریم اما استراتژی ما حمایت از ایشان است.

حضرتی در ادامه در جواب پرسش یکی از دانشجویان مبنی بر اینکه چرا شما نخستین هدف خود را رفع حصر قرار دادید، مگر چند نفر از مردم واقعا رفع حصر را می‌خواهند، گفت: من گفتم یکی از ماموریت‌های اصلی که تعریف کردم این بود. من ۱۰ تا ۱۲ ماموریت تعریف کردم اما حصر چون باعث شکاف بین ملت شده و شاهد بودید که روحانی هر جا برای سخنرانی می‌رفت بیشترین شعارها رفع حصر بود، باید مورد توجه قرار گیرد.

دلسوزان انقلاب باید با هم مساله حصر را حل کنند

وی افزود: همه دلسوزان انقلاب باید دست به دست هم دهیم که این مساله را حل کنیم چون حل نشدن آن اتفاق خوبی نیست. دنبال این نیستیم که مقصر چه کسی بود ما دنبال حل هستیم. اگر حل شود بخشی از دغدغه بخش عمده‌ای از مردم حل می‌شود. دومین ماموریت من بحث دانشگاه و دانشجو است. در این مدت نامه‌نگاری کردم و صحبت‌هایی با روحانی و وزیر علوم و رییس دانشگاه آزاد در این باره داشتم.

این نماینده مجلس افزود: بحث معیشت فرهنگیان در حال حاضر وضعیت ذلت‌بار است. فضای آموزش و پرورش و عقب‌ماندگی در مدارس یکی از بحث‌های من بوده است. همچنین در تهران هم ماموریت من این بود که مسائل و مشکلات تهران را حل کنم. علت اینکه کمیسیون اقتصادی را نیز انتخاب کردم این بود که می‌شود در این کمیسیون اشتغال و تورم و... را پیگیری کرد. اینها ماموریت‌های مختلف من است. اما رفع حصر دغدغه‌ای است که مردم به عنوان نخستین سوال از من می‌پرسند. هر جا می‌روم مردم از من این را می‌پرسند.

نماینده مردم تهران تاکید کرد: محدودیت‌ها کافی است. من در سال ۸۸ منتقد حوادث ۸۸ بودم. من دنبال حل مشکل جمهوری اسلامی هستم و این معضل ما است و به جمهوری اسلامی خسارت می‌زند.

او همچنین در ادامه در پاسخ به سوال دیگر دانشجویان درباره ضعف مدیریت اقتصادی گفت: دولت و مجلس وظیفه دارند برای تولید و اشتغال تلاش کنند. الان شاهد تصویر زشتی از وضعیت اقتصادی هستیم. باید امنیت سرمایه‌گذار را تامین کنیم که در مجلس هم این موضوع را پیگیری می‌کنیم. قانون سرمایه‌گذاری اصلاح می‌شود که در خدمت تسهیل سرمایه‌گذاری داخلی و خارجی قرار گیرد تا تولید داشته باشیم.

پرونده

نقاط عطف جنبش دانشجویی
از تسخیر سفارت تا رخوت فعلی

عرفان خوشخو /اعتماد

نگاه

حق تشکل‌یابی

حسین نقاشی

یکی از مهم‌ترین مولفه‌های روز دانشجو تشکل‌های دانشجویی است وامسال بایداز این منظر به روز دانشجو نگاه کنیم. در فضای دانشگاه‌های کشور نگاه‌های مختلفی درباره فعالیت‌ها و کارکردهای تشکل‌های دانشجویی وجوددارد. یک نگاه وجود دارد که اساسا نوع نگاهش به دانشگاه صرفا مبتنی بر عنصر علم‌آموزی است. این نگاه دانشگاه را صرفا محلی برای کسب علم و دانش می‌داند. نکته اساسی و مهمی که درباره این نگرش باید به آن اشاره شود آن است که این نوع نگاه مطلق نگر به دانشگاه را باید به چالش کشید. دانشگاه صرفا محلی برای کسب علم نیست بلکه محلی برای کسب مهارت نیز است. مهارت در دانشگاه می‌تواند گونه‌های مختلفی داشته باشد. مهارت سیاسی، فرهنگی، اجرایی و از این قبیل فعالیت‌ها همه در چارچوب یک امر مهمی مانند تشکل یابی معنی پیدا می‌کند. تشکل‌های دانشجویی محلی هستند برای کسب تجربه و مهارت برای زندگی فردای دانشجویان. دانشجویان در دانشگاه علاوه بر کسب علم، به وسیله تشکل‌های دانشجویی این امکان را فراهم می‌کنند که در کنار علم‌آموزی مهارت‌هایی را که در بالا ذکر شد را فرا گیرند. این موضوع یعنی در کنار یکدیگر قرار دادن ضرورت علم‌آموزی و فعالیت در تشکل‌های دانشجویی کارکرد اصلی دانشگاه است. کسب علم از طریق کلاس درس به دست می‌آید و کسب بخش قابل ملاحظه‌ای از مهارت‌ها در قالب تشکل‌های دانشجویی پدید می‌آید. این مساله برای آینده افراد، آینده جامعه مدنی و آینده نظام سیاسی از اهمیت بالایی برخوردار است. اگر بخواهم روشن‌تر توضیح دهم باید بگویم وقتی فردی در دانشگاه عضو یک تشکل سیاسی یا یک تشکل فرهنگی می‌شود مهارت‌هایی را مانند مهارت مذاکره کردن برای به دست آوردن مطالبات صنفی، فرهنگی و سیاسی خود از طریق حضور در تشکل‌ها به دست می‌آورد. وقتی قرار است یک برنامه، مراسم یا فعالیتی در داخل دانشگاه برگزار شود نیاز به مذاکره با مسوولان دانشگاه و متولیان امور دارد. دانشجویان با حضور در تشکل‌ها رفته رفته با این نکات مهم آشنا می‌شوند. فعالین دانشجویی نحوه نگارش نامه‌های اداری را می‌آموزند. دانشجویی که تنها با هدف علم‌آموزی وارد دانشگاه می‌شود با دانشجویی که در تشکل‌ها حاضر می‌شود تفاوت بسیار مهمی دارد. در تشکل‌های دانشجویی، نسل‌های بالاتر به نسل پایین‌تر آموزش‌های لازم را با هدف دوام تشکیلات می‌دهند. باید به این مهم توجه کرد که میزان حضور در تشکلات دانشجویی، مهارت‌های دانشجویان را افزایش می‌دهد.

فعال سابق دانشجویی

تهران؛ قلب تپنده جنبش دانشجویی. فرقی نمی‌کند پلی‌تکنیک باشد یا دانشگاه تهران. دانشگاه‌های تهران اما امسال جایی در انتخاب حسن روحانی، رییس‌جمهوری دولت دوازدهم ندارد. چندی پیش بود که محمود واعظی خبر داد روحانی برای مراسم ۱۶ آذر تهران نخواهد بود. او سه روز پیش در جریان سفر به سیستان و بلوچستان به دانشگاه زاهدان رفت و باز هم تکرار کرد که وعده‌هایش را از یاد نبرده و از آنها عقب‌نشینی نخواهد کرد. با این حال پیام روشن است. روحانی نمی‌خواهد امسال در نخستین ۱۶ آذر دولت دوم، آنهم پس از انتقادات فراوان تابستان گذشته به کابینه و دیگر وعده‌های محقق نشده، خود را در معرض نقد دانشجویان قرار دهد. از همین روی برخلاف عادتی مالوف و مرسوم این‌بار سخنرانی برای رییس جمهور در روز دانشجو در پایتخت ترتیب نداده‌اند. دوری از مرکز ثقل جنبش‌های دانشجویی همواره محک مناسبی برای ارتباط دانشجویان با دولت مستقر بوده است، محکی که باعث شد محمود احمدی‌نژاد تا دو سال پس از حوادث ۸۸ در هیچ دانشگاهی برای سخنرانی ۱۶ آذر حضور نداشته باشد یا باعث شد تا سیدمحمد خاتمی در آخرین حضورش در دانشگاه و در قامت رییس جمهوری سعه‌صدر بیشتری نشان دهد. جنبش دانشجویی پیش و پس از انقلاب متاثر از بحث و گفت‌وگوهای فضای سیاسی جامعه بوده و هست با این تفاوت که این بحث و جدل‌ها همواره در دانشگاه شدت و حدت بیشتری داشته است. جنبش دانشجویی در ایران همواره از سیاست تاثیر گرفته و بر آن تاثیر گذاشته و در واقع جنبشی محدود به مطالبات صنفی نبوده و در اغلب اوقات با جنبش‌ها یا خرده جنبش‌های دورن جامعه همراهی داشته است. جنبش دانشجویی اغلب متاثر از ادوار سیاسی بوده، ادواری که آمدن یا رفتن رییس جمهوری فضای این جنبش را تحت تاثیر قرار داده، فضا را برای دانشجویان بازتر یا بسته‌تر کرده‌است.

اشغال سفارت، نخستین کنش دانشجویی

«ساعت ده و نیم صبح در خیابان بهار جمع شدیم. همزمان تظاهراتی در سطح شهر در جریان بود. دانش‌آموزان در تظاهراتی که برپا کرده بودند از خیابان طالقانی به سمت دانشگاه تهران در حرکت بودند. ما هم با آنها پیش آمدیم و جلوی درب سفارت امریکا، راهمان را از آنها جدا کردیم و متوجه درب اصلی سفارت شدیم. نگهبانان جلوی سفارت که از نیروهای شهربانی بودند شوکه شده بودند...» این جملات بخشی از روایت ابراهیم اصغرزاده، دانشجوی خط امامی است که در فضای رادیکالی اوان انقلاب بالا رفتن از دیوار سفارت امریکا را به عنوان نخستین گام پساانقلاب انتخاب کردند. جنبش دانشجویی پس از انقلاب را اغلب با دانشجویان پیرو خط امام به خاطر می‌آوریم. جمعی چند صد نفره که حمله به سفارتخانه‌ها در ایران با اقدام آنها مرسوم شد. حمله‌ای که گرچه سال ۵۸ از سوی دانشجویان خط امامی طراحی و برنامه‌ریزی شد اما در دهه ۹۰ نیروهای خودسر با گرته‌برداری و خوانش ناصحیح از این اقدام به سفارت بریتانیا و سپس عربستان حمله کردند. قرار بود اشغال سفارت امریکا یک واکنش کوتاه‌مدت به پذیرش شاه از سوی امریکا و ترس از تکرار تجربه ۲۸ مرداد باشد. واکنش کوتاه‌مدتی که یک سال و ۷۹ روز به طول انجامید. گرچه این کنش به شهادت موسوی‌خوئینی‌ها که رهبر معنوی دانشجویان بود با استقبال انقلابیون مواجه شد و بعدها از امام نقل کرد که «بگویید خوب جایی را گرفتید؛ محکم نگه دارید!» از همین روی شاید برخی دانشجویان خط امامی چند دهه بعد خود را متهمان داستان سفارت می‌دانند با این حال آنها معتقدند اقتضائات زمانی ماه‌های آغازین انقلاب ایجاب می‌کرد که از دیوار سفارت بالا بروند. با همه این اوصاف تسخیر سفارت امریکا شاید نخستین اقدام جنبش دانشجویی پس از انقلاب باشد که البته بدون هزینه خاتمه نیافت.

انقلاب فرهنگی، تشکیل انجمن‌های اسلامی

هنوز غائله تسخیر سفارت امریکا پایان نیافته بود که امام خمینی در پیامی نوروزی به تغییر فضای دانشگاه‌ها اشاره کرد. امام خمینی در فروردین ۵۹ در بخشی از پیام نوروزی بیان کردند که دانشگاه‌های سراسر ایران باید پیام انقلاب اسلامی را بشنوند و اساتیدی که در ارتباط با شرق و غرب هستند، تصفیه شوند. دوم اردیبهشت سال ۵۹ ابوالحسن بنی‌صدر، رییس جمهوری وقت با حضور در دانشگاه تهران رسما تعطیلی دانشگاه‌ها را اعلام کرد. دانشگاه‌هایی که به دلیل حضور طیف‌ها و گروه‌های مختلف سیاسی از سوی انقلاب نوپای جمهوری اسلامی قابل کنترل نبود.

از همین‌رو برای اسلامی و انقلابی کردن فضای دانشگاه‌ها مرکز ثقل جنبش دانشجویی تعطیل شد؛ تعطیلی تا سال ۶۲ ادامه یافت و با عنوان انقلاب فرهنگی از آن یاد می‌کنند. پس از آن با آغاز جنگ تحمیلی تقریبا تمام تمایل و توان اقشار مختلف از جمله دانشجویان در دفاع خلاصه می‌شد. با این حال سیاست از زندگی روزمره دانشجویی جدایی‌پذیر نبود. در دوران جنگ با وجود اینکه چندان خط کشی‌های سیاسی به صورت امروز بروز و ظهور نداشت با این حال جریان اداره کشور چپ و راست سیاسی-اقتصادی کم‌کم نشو و نما می‌یافت. این وضعیت تا انتخابات مجلس سوم ادامه یافت و در جریان این انتخابات بود که آشکارا دو جریان موجود پس از انقلاب رودرروی هم قرار گرفتند.

پس از آن این جریان‌بندی در انتخابات مجلس چهارم تشدید شد و البته انشعاب تشکیلات تاثیرگذار آن زمان یعنی جامعه روحانیت مبارز را در پی داشت. انشعابی که عملا چپ و راست سیاسی را به وجود آورد و مجمع روحانیون مبارز، طیف چپ‌گرای این تشکل پای گرفت. پس از پایان انقلاب فرهنگی و بازگشت دانشجویان به دانشگاه، انجمن‌های اسلامی قدرت گرفتند. تشکل‌هایی دانشجویی که البته بیشتر گرایش‌های چپ‌گرایانه را دنبال می‌کردند. عصر تاثیرگذاری این انجمن‌ها از زمان وحدت آغاز شد. اتحادیه بزرگ انجمن‌های اسلامی با عنوان دفتر تحکیم وحدت قدرت گرفت و تاثیرگذار شد. دانشجویان گرچه از انتخابات مجلس دوم فعالیت جدی خود را آغاز کرده‌بودند اما در دور دوم و سوم حضورشان بیشتر احساس می‌شد تا جایی که تحکیم وحدت حتی لیست مختص به خود را منتشر کرد. فاصله سال‌های انقلاب فرهنگی زمان خوبی بود تا انجمن‌های اسلامی گرد هم آیند و اتحادیه‌ای با عنوان تحکیم وحدت شکل دهند. دوران حضور هاشمی‌رفسنجانی بر مسند ریاست قوه مجریه دوران چندان مطلوبی برای دانشجویان نبود. فضای سیاسی بسته و تمرکز بیش از حد بر مسائل اقتصادی باعث شد تا در فضای دانشگاه‌ها نیز کم‌کم صدای آزادی‌خواهی و گسترش آزادی‌های مدنی و سیاسی شنیده شود صداهایی که البته خیلی زود خاموش می‌شد. علاوه بر فشارهای سیاسی، رد صلاحیت گسترده در انتخابات مجلس چهارم و محدود شدن هر چه بیشتر جریان موسوم به چپ در ارکان قدرت باعث شد که دفتر تحکیم مدت‌ها در موضع ضعیف‌تری قرار گیرد. تغییر فضای سیاسی حتی به توقیف دفتر این تشکیلات فاصله سال‌های ۶۸ تا ۷۳ منجر شد. پس از مدتی هم برخی اعضای جنبش دانشجویی از سوی نهادهای اطلاعاتی و امنیتی بازداشت شدند. مقابله حاکمیت با جریان دانشجویی معترض آن زمان باعث شد تا این تشکیلات تا حدودی بر رویکرد اعتراضی و انتقادی خود شدت بخشند. جماعت دانشجویی که مدت‌ها در چارچوب‌های تنگ و تار دانشگاهی به تداوم حیات نیم‌بند اصرار داشتند انتخابات سال ۷۶ را مفری برای رهایی از وضع موجود بدانند.

خرداد ۷۶، عصر سهل و ممتنع

سال ۷۵ اوج شکوفایی دوباره جنبش دانشجویی با محوریت تحکیم وحدت بود. آنها تمایل داشتند تا در موسم انتخابات هفتمین دوره ریاست‌جمهوری نقش موثری ایفا کنند. از همین روی کاندیدای چپ‌گرای نزدیک به خود را میرحسین موسوی می‌دانستند. با این حال از رایزنی با موسوی جواب مطلوب نگرفتند. انتخاب دوم سیدمحمد خاتمی عضو ارشد مجمع روحانیون مبارز بود. این‌بار رایزنی‌ها نتیجه بخش بود. خاتمی پذیرفت و در بهمن ۷۵ کاندیداتوری خود را در دفتر تحکیم وحدت اعلام کرد و اسفند همان سال نخستین سخنرانی انتخاباتی‌اش در دانشگاه صنعتی شریف برگزار شد. در نهایت سوم خرداد ۷۶ سیدمحمد خاتمی پرچمدار اصلاحات با ۲۰ میلیون رای به ریاست‌جمهوری رسید. جنبش دانشجویی با روی کار آمدن خاتمی حیات دوباره یافت. آزادی در راستای توسعه سیاسی نقطه اتکای خاتمی در رسیدن به پیروزی بود که با استقبال دانشجویان مواجه شد.

آنچه یک سال بعد در دانشگاه تهران و در مراسم بزرگداشت دوم خرداد بر آن تاکید داشت آزادی بود. او معتقد بود هرگاه عدالت یا توسعه مقابل آزادی قرار گرفته لطمه خورده است و می‌گفت «می‌توان جلوی ابراز اندیشه را گرفت ولی اندیشه را نمی‌توان از بین برد...» از همین روی تا دو سال ابتدای حضور خاتمی بر راس قوه مجریه حال و هوای دانشگاه شکل دیگری داشت. دانشجویان به خصوص طیف مدرن‌تر برنامه‌های خود را در دانشگاه‌ها برگزار می‌کردند، فضای دانشگاه شاید هم‌پای زمان انقلاب، سیاسی شده بود، گوشه و کنار هر دانشگاهی سخنرانان سیاسی در تالارهای سخنرانی بودند. همه جا صحبت از آزادی بود. آزادی بیان و عقب‌تر راندن خطوط قرمز انتزاعی که در تضاد با این مفهوم در سال‌های پس از انقلاب شکل گرفته بود. اما تجربه فضای باز برای جنبش دانشجویی با ماهیت اعتراضی دو سال بعد با توقفی ناگهانی مواجه شد و نفس‌هایش به شماره افتاد. ۱۸ تیر ۷۸ بحران سختی بود که به وضوح فعالیت جنبش دانشجویی بی‌محابا را متوقف و دز محافظه‌کاری تحمیلی را در جنبش دانشجویی بیشتر کرد. اعتراض، بخش جدایی‌ناپذیر جنبش دانشجویی در دهه ۷۰ بود.

تجمعات اعتراضی گرچه در دوران اصلاحات هم بی‌سابقه نبود اما ۱۸ تیر ۷۸ و واکنش برخی نهادهای نظامی به این اعتراض کم‌سابقه بود. تجمع دانشجویان دانشگاه تهران در اعتراض به توقیف روزنامه سلام و تصویب قانون جدید مطبوعات در ۱۸ تیر ۷۸ به حمله به کوی دانشگاه انجامید. در جریان این حادثه دانشجو کشته و چند صد نفر از آنها بازداشت و تحت بازجویی قرار گرفتند. ماجرای ۱۸ تیر تا چند روز ادامه داشت و شاید بتوان آن را بزرگ‌ترین چالش جنبش دانشجویی پس از انقلاب نام نهاد. حوادث ۱۸ تیر نه تنها محدود شدن فعالیت‌های دانشجویی بطور عام را در پی داشت، که به صورت خاص بر فعالیت تحکیم وحدت به عنوان موثرترین تشکیلات دانشجویی آن زمان هم تاثیرگذار بود. اختلافات آغاز شده بود تا تحکیم از وحدت بیفتد. گروهی به نقد حاکمیت باور نداشتند و گروهی دیگر این خط قرمز را انتزاعی می‌دانستند. گرچه انتخابات سال ۷۸ برای تشکیل مجلس ششم هم در این انشعاب بی‌تاثیر نبود. نخستین نشست انتخاباتی تحکیم مهر ۷۸ برگزار شد. دو طیف تحکیم، لیست‌های انتخاباتی مجزا از هم داشتند. اتفاقی که جوی متشنج ایجاد کرد. نشست‌های دفتر تحکیم یکی پس از دیگری به تشنج کشیده و بعضا بدون نتیجه ختم می‌شد. نشست ۲ شهریور سال ۸۰ خرم‌آباد جنجالی‌ترین جلسه تحکیم بود. جلسه‌ای که طیف چپ و مدرن سروش و کدیور را دعوت کردند و طیف راست و سنتی‌تر خواستار مناظره میان سروش و مصباح بودند که محقق نشد. در نهایت انصار حزب‌الله این شهر به جلسه تحکیم حمله کرد. اختلافات و انشعاب در دفتر تحکیم وحدت بدنه این تشکیلات را هر روز نحیف‌تر می‌کرد. در نهایت سال ۸۲ دانش‌آموختگان دفتر تحکیم وحدت معروف به طیف علامه تشکیلاتی جدید با عنوان «ادوار تحکیم وحدت» تشکیل دادند تا هم این طیف و هم نیروهای جدید به آن بپیوندند. موضع آنها در انتخابات سال ۸۴ تحریم بود اما در مرحله دوم از هاشمی‌رفسنجانی حمایت کردند.

دوران رخوت تحصیلی

پس از اتمام دولت اصلاحات و روی کار آمدن دولت محمود احمدی‌نژاد فصل رخوت جنبش دانشجویی آغاز شد. ماجرای ۱۸ تیر و برگزاری سالگردهای این حادثه از سوی دانشجویان که با برخوردهای قهری رو به رو می‌شد، فشارها بر جنبش دانشجویی را افزایش داده بود. روی کار آمدن دولت اصولگرای محمود احمدی‌نژاد هم ضربه کاری دیگری بود بر پیکر نحیف جنبش دانشجویی و آغاز دوران رخوت تحصیلی. طرح دانشجویان ستاره‌دار و بازنشستگی‌های اجباری از ایده‌های مسوولان مرتبط با دانشگاه‌ها در دوران احمدی‌نژاد بود. دوران تصفیه حساب سیاسی در دانشگاه‌ها. دانشجویان مدام در رفت‌وآمد به کمیته‌های انضباطی بودند و احکام سنگینی برای آنها صادر می‌شد. نشریات دانشجویی یکی پس از دیگری تعلیق یا توقیف می‌شد و این روند تا سال ۸۷ هر روز بیشتر شدت گرفت. تیغ تند توقیف و تعلیق به دفتر تحکیم وحدت هم رسید و در نهایت دفتر تحکیمی‌ها در سال ۸۷ پلمب شد. همزمان با محدودیت برای تشکل‌های اصلاح‌طلب فصل پر و بال گرفتن تشکل‌های اصولگرای همسو و دولتی آغاز شد.

احمدی‌نژاد آنقدر در دانشگاه محبوب نبود که با هر حضور جنجالی تازه آفریده می‌شد. او سال اول ریاست‌جمهوری به هیچ دانشگاهی نرفت. سال ۸۵ چند روز بعد از ۱۶ آذر راهی دانشگاه امیرکبیر شد تا در این دانشگاه سخنرانی کند. سخنرانی احمدی‌نژاد با اعتراضات زیادی رو به رو شد. دانشجویان معترض اما راهی کمیته‌های انضباطی شدند تا پاسخگو باشند. انتخابات ۸۸ و حوادث پس از آن عملا جریان دانشجویی را متوقف کرد. اعتراضاتی که در ایران نسبت به نتایج انتخابات سال ۸۸ اتفاق افتاد تنها مختص به یک جریان سیاسی و حزبی نبود از همین رو دانشجویان هم در آن نقش موثری ایفا کردند. روند ستاره‌دار کردن دانشجویان و محروم کردن استادان از تحصیل و تدریس با شدت بیشتری ادامه یافت و فضا برای کنش‌های دانشجویی روز به روز تنگ‌تر شد. این وضعیت تا جایی ادامه یافت که روز ۱۶ آذر ۸۸ یعنی در حدود ۶ ماه پس از انتخابات، محمود احمدی‌نژاد فضا را برای حضور در دانشگاه فراهم ندید. او سال بعد هم به هیچ دانشگاهی نرفت. سرانجام سال ۹۱ پس از ۲ سال راهی دانشگاه صنعتی شریف شد. در طول این ۲ سال البته چند بار در دانشگاه‌ها حضور یافته بود اما نه در ۱۶ آذر و نه در جمع‌های دانشجویی. روزهای پایانی دولت احمدی‌نژاد زمانی بود که روح تازه‌ای در کالبد جنبش دانشجویی دمیده شد. حسن روحانی وعده می‌داد که دولت تدبیر و امیدش آزادی را به دانشگاه‌ها بازخواهد گرداند و مسوولان امانتدار آرای مردم خواهند بود. خرداد ۹۲ کسی بر مسند ریاست‌جمهوری نشست که گرچه اصلاح‌طلب نبود اما کنش و گویشی مصلحانه داشت. با این حال در دولت یازدهم «فضای بازی» که روحانی وعده داده بود کاملا محقق نشد. گرچه فضای فعالیت دانشجویی اندکی بازتر از ۸ سال گذشته شده بود با این حال همچنان بسیاری از سخنرانی‌ها توسط نهادهای خارج از دانشگاه لغو و از حضور بسیاری از اصلاح‌طلبان جلوگیری می‌شد.

همین شد که دانشجویی در ۱۶ آذر سال ۹۵ به کنایه به روحانی گفت «می‌گویند رفع حصر در اختیار شما نیست. امنیت دانشگاه که در اختیار شماست؛ دیگران مانع از سخنرانی‌ها می‌شوند و برای دانشجویان پرونده‌سازی کرده و آنها را احضار می‌کنند.» با وجود آزادی‌های نیم‌بند دانشجویی با این حال به نظر می‌رسد که دانشجویان نیز خودخواسته دچار رخوتی سیاسی شده‌اند چرا که هزینه فعالیت دانشجویی پس از حوادث ۸۸ آنقدر بالا رفته است که آنها برای هر کاری اندکی محافظه‌کارانه رفتار کنند. اتفاقی که در دولت دوم حسن روحانی هم تکرار شده و شاید از همین رو او تهران را برای سخنرانی ۱۶ آذر انتخاب نکرده است.

گفت‌وگوی روز

جعفر توفیقی در گفت‌وگو با «اعتماد»:
دانشجو، بازیگر قدرت نیست

زهیر موسوی | جنبش دانشجویی یا حرکت دانشجویی، موضوعی است که همواره مورد سوال محافل سیاسی و دانشجویی بوده است. «جعفر توفیقی»، وزیر علوم دولت اصلاحات معتقد است با وجود اینکه فعالیت‌های دانشجویی در سال‌های اخیر بسیار موثر بوده است اما نمی‌توان بر این فعالیت‌ها نام جنبش نهاد. توفیقی معتقد است در سال‌های ۸۴ تا ۹۲ شیوه مدیریت دانشگاه‌های کشور انقباضی بوده و همین موضوع سبب شده است تا فضا برای فعالیت دانشجویی قشری خاص فراهم شده و این فعالیت‌ها مسیر و جریانی خاص را دنبال کنند اما با روی کار آمدن دولت یازدهم این انحصار شکسته شده‌است.

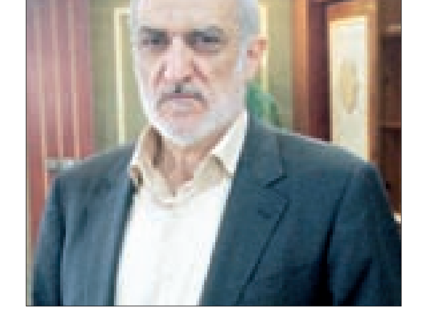

آیا حرکت‌های دانشجویی در سال‌ها اخیر را موثر و موفق می‌دانید یا خیر؟

تصورم این است که در تاریخ آموزش عالی ایران، دانشجویان همواره نقش تاثیرگذاری بر تحولات سیاسی، اجتماعی و فرهنگی کشور داشتند. دانشجویان همواره جریان‌ساز و الگو برای مردم و جامعه بوده‌اند. طبیعی است که در طول تاریخ آموزش عالی این نقش‌ها فراز و نشیب داشته و میزان تاثیرگذاری نیز کم و زیاد شده باشد اما در مجموع دانشجویان ما در دانشگاه‌ها همواره جزو افراد نخبه، خوشفکر و حساس بوده‌اند. این حساسیت نسبت به مسائل کشور بسیار مهم و تاثیرگذار بوده است. چه در دوران قبل از انقلاب در تغییر رژیم، چه در دوران بعد از انقلاب در مساله حمایت از ارزش‌ها و اصول انقلاب. دانشجویان همیشه مشی انتقادی داشتند و سعی داشتند با آسیب‌شناسی و تشخیص مسائل و مشکلات سیاسی و اجتماعی نقش آفرینی کنند. بنابراین از این منظر که همیشه نقش تحول‌آفرین داشتند فکر می‌کنم جریان‌های دانشجویی ما اثربخش و موثر بودند.

با توجه به اینکه شما فعالیت سال‌های اخیر را موثر می‌دانید، آیا می‌توان از کلمه جنبش دانشجویی برای این فعالیت‌ها استفاده کرد یا صرفا یک حرکت دانشجویی محسوب می‌شود؟

در حال حاضر به این فعالیت‌ها نمی‌توان لفظ جنبش دانشجویی اطلاق کرد بلکه صرفا حرکت دانشجویی هستند. این فعالیت‌ها حرکت‌های دانشجویی است که تشکل‌های دانشجویی با سلیقه‌های مختلف سیاسی مشغول نقش آفرینی در دانشگاه‌ها هستند.

به نظر شما پس از دوم خرداد ۷۶ آیا مسیری مشخص برای حرکت‌های دانشجویی انتخاب شد یا خیر؟

تشکل‌های دانشجویی ما از سلیقه‌های سیاسی متنوعی برخوردار بوده و یک جریان واحد نیستند. این تشکل‌ها دارای ایده‌ها و افکار متنوعی در حوزه‌های سیاسی و اجتماعی هستند بنابراین هر تشکلی در محدوده افکار و اندیشه‌های خود فعالیت می‌کند. هرچند که پس از پایان دولت اصلاحات در مقطعی شاهد رویکرد انقباضی در فعالیت‌های دانشجویی بودیم و دانشگاه‌ها بیشتر محدود به تشکل‌های خاصی بودند اما از سال ۹۲، شاهد باز شدن فضا هستیم و تشکل‌های بیشتری را در فضای فعالیت‌های دانشجویی می‌بینیم و امیدواریم این روند با سرعت بیشتری در دولت دوازدهم ادامه پیدا کند و دانشجویان بیشتری بتوانند با دیدگاه‌های مختلفی در تشکل‌ها فعالیت داشته باشند. در هر حال این تنوع افکار یک فرصتی برای فضای آموزش عالی و فعالیت‌های دانشجویی است و این موضوع باید تقویت شود.

تجربه شخصی شما در مواجهه با دانشجویان و فعالیت‌های دانشجویی چه نگاهی به این فعالیت‌ها را تایید را رد می‌کند؟

تجربه‌ای که مستقیما خود من در فاصله سال‌های ۷۶ تا ۸۴ داشتم اندیشه حاکم در وزارت علوم یک نگاه انبساطی به فعالیت دانشجویی بود. در این نگاه ما از روش‌های مختلف با افکار سیاسی و جناح‌های سیاسی مختلف ارتباط برقرار کردیم. به نظر من دانشگاه محل آزادی فکر و اندیشه و برخورد افکار و عقاید مختلف است. این موضوع در جهت رشد و تعالی افکار و اندیشه‌های دانشجویی فرصت تلقی می‌شود. بنابراین در این فاصله شاهد افزایش و پیشرفت کمی و کیفی فعالیت‌های دانشجویی هستیم. در دوره اصلاحات ما شاهد چند صدایی در دانشگاه بودیم که این امری کم‌سابقه است. در فاصله ۸۴ تا ۹۲ سیاست انقباضی در پیش گرفته شد و تشکل‌های دانشجویی با محدودیت مواجه شدند و دانشگاه بیشتر عرصه فعالیت برای تشکل‌های خاص شد. در سال ۹۲ شعارهای دولت یازدهم نشان داد این دولت به حرکات دانشجویی اعتقاد دارد. این اعتقاد سبب بازتر شدن فضای دانشگاه برای فعالیت‌های دانشجویی شد. البته این باز شدن فضا به کندی اما در جهت مثبت پیش می‌رفت. با بهبود فضا با وجود محدودیت‌هایی که وجود داشت ما شاهد بازتر شدن فضا هستیم. ان‌شاءالله در دولت دوازدهم نیز دانشجویان و دانشگاهیان انتظار دارند که با سرعت بیشتری دانشگاه‌ها بتوانند بستر مناسب‌تری برای فعالیت دانشجویان باشند.

آیا تشکل‌های دانشجویی بازیگران قدرت هستند یا تاثیرگذار بر قدرت؟

تشکل‌های دانشجویی تاثیرگذار بر قدرت هستند. این تشکل‌ها به دلیل اقتضائات سنی، فکری و جایگاهی که در آن فعالیت می‌کنند بازیگری قدرت را نمی‌طلبند. دانشجویان همواره با تحلیل و آسیب‌شناسی مسائل سیاسی و اجتماعی به دنبال اثربخشی بر قدرت هستند. این آسیب‌شناسی و تحلیل با ارایه پیشنهاد و در واقع ایجاد یک محیط باز برای گفت‌وگو و عمق بخشیدن به مسائل، سیاست‌ها و راهبردها همراه است. بنابراین دانشجویان به دلیل اقتضای سنی و محیطی که در آن فعالیت می‌کنند، درگیر فعالیت‌های علمی هستند و در کنار کسب علم نیز وجود احساس مسوولیت در آنها سبب فعالیت‌های دانشجویی می‌شود. دانشجویان در فعالیت‌های خود به دنبال آن هستند که با شناخت دقیق مسائل و آگاهی بیشتر بتوانند در بهبود روند اداره کشور اثر بخش باشند لذا جنبه اثرگذاری بیشتر از بازیگری قدرت است.

چرا فعالیت‌های دانشجویی بر جامعه تاثیرگذار است و جامعه همواره توجه بیشتری به فعالیت‌های این قشر دارد؟

دانشجویان به عنوان یک قشر فرهیخته و نخبه جامعه شناخته می‌شوند. دلیل آنکه این قشر همواره برای مردم الگو هستند، نقش آفرینی موثر و احساس مسوولیت دانشجویان در قبال مسائل سیاسی و اجتماعی است. از سوی دیگر دانشجویان همیشه سعی دارند نقش سازنده و موثری در آبادانی کشور داشته باشند. انشاءالله دولت روی توانمندی و اثر بخشی دانشجویان بیشتر حساب کرده و با فراهم کردن فضا برای فعالیت‌های دانشجویی شاهد اثر بخشی بیشتری از سوی دانشجویان باشیم.

ادامه از صفحه اول

جنبش دانشجویی در دوره گذار

حادثه کوی دانشگاه جنبش دانشجویی را با بحران مواجه کرد و گفتمان عدالت‌خواهی به گفتمان آزادیخواهی و دموکراسی‌خواهی تبدیل شد.

بزرگ شدن بدنه دانشگاه نیز از جمله عوامل دیگری بود که در مسیر جنبش دانشجویی تغییراتی ایجاد کرد. افزایش تعداد دانشجویان نسبت به ابتدای انقلاب و بزرگ شدن بدنه دانشگاه سبب شد که جنبش دانشجویی معطوف به سیاست به جنبش دانشجویی معطوف به اجتماع تبدیل شود. انجمن‌های علمی، کانون‌های فرهنگی، تشکل‌های زیست محیطی، تشکل‌های ورزشی و... در درون جنبش دانشجویی شکل گرفت و این جنبش فراز و نشیب‌های جدی را از سر گذراند.

جنبش دانشجویی در دولت نهم و دهم با یک توقف جدی رو به رو شد زیرا در این دوره به فعالیت دانشجویی به عنوان یک فرصت نگریسته نشد و حتی آن را تهدید می‌شمردند. از همین رو شاهد برخوردهای امنیتی و برخوردهای کاهنده با جنبش دانشجویی بودیم. تعداد بسیاری از تشکل‌های دانشجویی منحل شده یا غیرفعال شدند. شاهد ستاره‌دار کردن دانشجویان بودیم و می‌توان گفت که دوره سختی بود. در دولت تدبیر و امید نیز تلاش‌هایی شده و از امنیتی بودن فضای دانشگاه کاسته شده است.

نکته اینجا است که در دوره جدید از جنبش دانشجویی با مسائل جدیدی همچون گسترش رسانه‌های مجازی، تغییرات نسل و... مواجه هستیم. گسترش فضای مجازی تا حدی از میزان اثرگذاری فعالیت‌های دانشجویی کاسته است. سلایق متفاوت نسل جدید نیز تغییرات را ایجاد می‌کند. در مجموع جنبش دانشجویی در حال گذار به مرحله‌ای است که با گذشته متفاوت است. از آنجایی که هنوز جنبش دانشجویی به مرحله جدید خود نرسیده است گاهی تصور می‌شود که این جنبش دچار رکود و سکون شده است.

به اعتقاد من جنبش دانشجویی راکد و بی‌اثر نشده است و تنها در شرایط ویژه و دوره گذار قرار دارد. باید منتظر ماند و دید که این جنبش با تغییرات جدید چطور کنار می‌آید و چه مسیری را در پیش می‌گیرد.

معاون وزیر علوم دولت اصلاحات

گفت‌وگوی سیاسی

طرفین به یک میزان به لوازم و منطق گفت‌وگو در مورد فیزیک مسلط نیستند، بنابراین در این حالت، جریان گفت‌وگو تبدیل به آموزش می‌شود. ماهیت گفت‌وگوی سیاسی نیز از نوع قدرت است. طرفین باید در چارچوب قدرت گفت‌وگو کنند. فراموش نکنیم، هر قدرتی نمی‌تواند طرف گفت‌وگوی سیاسی قرار گیرد. برای نمونه یک قاضی فرد قدرتمندی است ولی این قدرت از نوع قدرت سیاسی نیست. این قدرت اداری است.

اگر قاضی بپذیرد که یک طرف گفت‌وگوی سیاسی قرار گیرد، ماهیت قدرت حقوقی خود را قلب کرده است. از این رو گفت‌وگو کردن با شورای نگهبان بی‌معناست. زیرا این شورا یک نهاد رسمی غیرسیاسی است، هرچند تصمیمات آن اثرات سیاسی مهمی دارد. این نهاد یا نهاد قضایی نمی‌توانند طرف گفت‌وگوی سیاسی باشند، بلکه باید پاسخگو باشند.

چگونگی خارج کردن این نهادها از سیاست، یکی از موضوعات مهم برای گفت‌وگو در ایران است، بنابراین هنگامی که پذیرفته شود تا با آنها گفت‌وگوی سیاسی انجام شود، به صورت ضمنی پذیرفته شده که آنها می‌توانند سیاسی باشند. مشکل این نهادها از جمله شورای نگهبان این است که قادر به دفاع مستدل و حقوقی از تصمیمات خود نیستند و در این مورد باید پاسخگو باشند و نه طرف گفت‌وگوی سیاسی. درباره دستگاه قضایی هم همین مساله صادق است.

هرگونه حضور این دستگاه در سیاست یا رسمیت دادن به این حضور نقض غرض هدف اصلی یک گفت‌وگوی سیاسی است. ضمن اینکه با این دو نهاد نمی‌توان گفت‌وگو کرد به این دلیل که منطق آنان باید حقوقی باشد، البته اگر از منطق حقوقی تبعیت کنند، طرف مقابل نیز باید نهاد حقوقی یا حداقل از موضع حقوق وارد گفت‌وگو شود و بعید است که این نهادها چنین گفت‌وگویی را بپذیرند، چرا که نتیجه تقریبا پیشاپیش روشن است. یک نمونه آن قضیه سپنتا است که هیچ‌گونه پاسخ حقوقی قابل قبولی داده نشد.

با این ملاحظات بهترین شیوه گفت‌وگوی سیاسی میان زیرگروه‌های جناح‌های اصلی و نیز میان آنان با گروه‌های دیگر است. این گفت‌وگوها لزوما نباید حضوری باشند، می‌توان یک دستور کار برای آن طرح کرد و همین دستور کار نیز می‌تواند مبنای گفت‌وگو باشد و پس از توافق درباره دستور کار نسبت به برنامه سیاسی مورد توافق درباره این دستور کار می‌توان گفت‌وگو کرد؛ هم به صورت خصوصی و هم در فضای عمومی.

سامسونگ
SAMSUNG
هوای پاک را به خانه ببرید
تصفیه هوا
AC-B90AVWA
فقط با ضمانت سام سرویس
۰۲۱-۸۲۵۵

با آسان خرید آسان سفر کنید
بانک تجارت
روابط عمومی
TEJARAT BANK